واژه‌های معادل در فرهنگستان زبان و ادب فارسی چگونه انتخاب می‌شوند

سرنوشت سمج کلمات

عکس‌ها: مهدی حسنی/ شهروند

ایمان پاکنهاد | بعد از ۱۷ دقیقه بحث و مجادله و گفت‌وگو، رئیس جلسه همه اعضا را قانع کرده بود. همه‌چیز داشت خوب پیش می‌رفت. حتی دست چند نفر هم بالا رفت به نشانه تأیید، اما یکهو همه‌چیز خراب شد. دکتر طباطبایی دستش را بلند کرد و گفت: «خوردگی» اسمه، «قطبشی» صفت. به‌لحاظ دستوری نمی‌شه این دو تا رو کنار هم گذاشت.

روزهای اول پاییز است در ساختمان فرهنگستان زبان و ادب فارسی. بشقاب‌های میوه و لیوان‌ها و همه تجهیزات را از قبل در خطی مستقیم و منظم روی میز چیده بودند تا آخرین جلسه واژه‌گزینی گروه مهندسی خوردگی برگزار شود.

«دورنما» رسید

-می‌خواستم ببینم فکس روزنامه شهروند رسیده برای حضور خبرنگار تو جلسه واژه‌گزینی؟

-«دورنما» تون رسیده. ۲۴ مهر جلسه واژه‌گزینی داریم. می‌تونید تشریف بیارید.

از همین ابتدای کار می‌شد حدس زد که چه وسواسی سر کلمات است. چند سال است فرهنگستان کلمه‌ی دورنما را به‌جای فکس تصویب کرده؟ چند درصد مردم در مکالمات روزمره این کلمات را به کار می‌برند؟ و این کلمات را چه کسانی و چگونه تصویب می‌کنند؟

طبق اعلام وبسایت رسمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی گروه واژه‌گزینی «در آغاز فعالیت خود واژه‌های بیگانه را در حوزه عمومی بررسی و معادل‌یابی کرد، اما نظر به اهمیت واژه‌گزینی در حوزه علوم و فنون، از سال ۱۳۷۵ کار واژه‌گزینی تخصصی را با همکاری فرهنگستان‌های علوم، علوم پزشکی و تعدادی از مؤسسه‌های تحقیقاتی و دانشگاه‌های کشور آغاز کرد. در حال حاضر، چهل‌وهشت گروه تخصصی و شورای هماهنگی زیر نظر گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان وادب فارسی فعالیت دارند. هر گروه متشکل از دست‌کم پنج متخصص علمی و فنی علاقه‌مند به کار واژه‌گزینی و یک یا دو نفر پژوهشگر و کارشناس گروه واژه‌گزینی است. پژوهشگران به‌نمایندگی از طرف فرهنگستان، بر انتخاب یا ساخت واژه، مطابق با الگوهای ساخت واژه در زبان فارسی و نیز اجرای اصول و ضوابط واژه‌گزینی در فرهنگستان نظارت می‌کنند و در مواردی وظیفه دبیری را برعهده دارند. حاصل کار واژه‌گزینی تا پایان سال ۱۳۸۷ در شش دفتر فرهنگ واژه‌های مصوّب، شامل حدود ۲۰۰۰۰ واژه منتشر شده است.»

گروه واژه‌گزینی از اواخر سال ۱۳۸۵ طرحی را با عنوان «طرح برون‌سپاری» تدوین کرد که بر اساس آن، مراکز پژوهشی و انجمن‌ها در کار واژه‌گزینی تخصصی با فرهنگستان همکاری می‌کنند. یکی از این انجمن‌ها «انجمن مهندسی خوردگی» است که امروز در آخرین جلسه برای تصویب معادل‌های انتخابی‌شان حضور دارند. هوای اتاق گرم است و پرده سفید حریر از باد تندی که می‌وزد تا نزدیک میز جلسه موج می‌خورد و می‌گریزد.

در مشرق میز اعضای کارگروه خوردگی می‌نشینند. و صندلی‌های ضلع جنوب و غرب جایگاه اعضای شورای واژه‌گزینی می‌شوند. غلامعلی حدادعادل در رأس نشسته. رئیس شورا و رئیس فرهنگستان است.

رویا خدادادی، پژوهشگر مسئول فرهنگستان زبان و ادب فارسی در کارگروه انجمن خوردگی پیش از آغاز جلسه از مراحل تصویب واژه‌ها می‌گوید: «کارگروه خوردگی از خرداد ۱۳۸۷، ۱۳۸ جلسه تشکیل داده. نزدیک ۶۰۰ واژه رو به تصویب فرهگستان رسوندیم. امروز هم حدود ۳۰ واژه مطرح می‌کنیم.»

کار انتخاب واژه‌های معادل به این راحتی‌ها نیست. انجمن‌های تخصصی مثل همین انجمن خوردگی متشکل از ۶ نفر، با تایید فرهنگستان و با حضور دو نماینده کارشناس از فرهنگستان، اول پیکره‌ای از واژه‌ها را انتخاب می‌کنند. «معمولا هم سعی می‌کنیم واژه‌ها اختصاصی این گروه باشه. مثل انواع خوردگی‌ها یا عملیات حفاظت از خوردگی‌ها. در جلسات نخست ۲۰۰ واژه پایه‌ایِ خوردگی رو انتخاب و اولویت‌بندی کردیم. بعد واژه‌های پرکاربرد رو بر مبنای همین واژه‌های پایه‌ای بررسی کردیم.»

روال تصویب کمی پیچیده است: کلمات را ابتدا در خود گروه بررسی می‌کنند. یعنی در همان گروه هشت نفره. شکل رایج برخی از واژه‌ها موجود است و بعضی‌ها را متخصص‌ها به فارسی برگردانده‌اند و بعضی‌ها را هم نه، که این کارگروه بررسی‌شان می‌کند. «البته واژه‌های رایج را هم بررسی می‌کنیم.» ساعت‌ها و روزها جلسه برای چند کلمه و بعد «وقتی به توافق برسیم دیگر مصوب گروه تلقی می‌شود.»

این تازه مرحله‌ی اول کار است. بعد از تصویب در کارگروه‌ها «باید برویم شورای هماهنگی و بررسی دوباره. چون بعضی از واژه‌هایی که پرکاربرد هستند ممکن است در دیگر حوزه‌ها مثل فیزیک یا شیمی هم استفاده شوند. به همین دلیل باید با آن رشته‌ها هم هماهنگی شود. ممکن است واژه‌ای در حوزه خوردگی بسیار پرکاربرد باشد اما همان واژه در اصل متعلق به شیمی است. گروه شیمی هم مثلاً تا کنون واژه‌ای برایش معادل‌سازی نکرده. خب این واژه در شورای هماهنگی، که از گروه‌های متخصص و مرتبط تشکیل شده، دوباره بررسی می‌شود. اگر گروه‌های دیگر مسأله‌ای با آن واژه نداشتند در نهایت می‌آید به مرحله‌ی آخر که همان شورای واژه‌گزینی است.» اعضای گروه در جلسه‌ی شورای واژه‌گزینی درباره‌ی مفهوم واژه و شیوه معادلسازی به اعضای شورا توضیح می‌دهند. «اگر اینجا تصویب شد، دیگر مصوب فرهنگستان تلقی می‌شود.»

«کاربرگه‌ها» را توزیع کنید

جلسه بدون تشریفات مرسوم آغاز می‌شود. حداد عادل گزارش آماری می‌خواهد. فاطمه محمودنژاد، پژوهشگر واژه‌گزینی گروه خردگی هم آمار می‌دهد: «۱۳۸ جلسه دو ساعته با گروه داشته‌ایم. طی این جلسات ۶۵۰ واژه بررسی شده. در کل تا الان ۴۹۳ واژه در فرهنگستان مصوب کرده‌ایم در ۴ دفتر. دفتر پنجم هم حدود ۱۰۰ واژه است.»

حداد عادل می‌گوید «کاربرگه‌ها» را توزیع کنید. کاربرگه‌ها فهرستی است از واژه‌هایی که قرار است در این جلسه بررسی و تصویب کنند. هر واژه یک صفحه دارد و تمام اقدام‌هایی که پیش از این درباره واژه انجام شده در همان صفحه آمده. محمودنژاد یک‌بار همه‌ی واژه‌ها را یکجا با توضیحات مفصل می‌خواند تا نوبت به بررسی تک‌تکشان برسد.

نمایشنامه کلمات در چند پرده

«اعضای شورا اعلام رأی بفرمایید.» اعضا تا می‌خواهند دست‌هایشان را بالا ببرند، دکتر محمدابراهیم ابوکاظمی، عضو شورا مخالفت می‌کند: «این نوعی قطبش است که مبتنی است بر واکنش فعال‌سازی... یعنی فعال‌سازی باید به شکل صفتی مطرح بشود. یعنی فعال‌سازشی، یا فعال‌ساختی یا کنانشی، یعنی نسبت: قطبش‌ناشی از کنانش.»

حداد: بله آقای کاظمی ولی سابقه دارد که ما در این صفت‌وموصوف‌ها یا اضافه‌ها انواع رابطه‌ی اینها را دیگر حذف می‌کنیم. مثلا قطبش فعال‌سازی را می‌شود این جور فهمید که قطبش فعال‌سازی همان معنی را دارد. اگر بیشتر حساس شویم مقداری دشوار خواهد شد و ممکن است به مقبولیتش صدمه بزند.

ابوکاظمی: می‌شود معنی غلط را هم ازش فهمید.

حداد: ما از این واژه‌ها داریم و معمولاً از دکتر طباطبایی مدد می‌گیریم که مثالش را بگویند. چیزی را که ناشی از چیزی است به‌صورت اضافه بیان می‌کنیم. نمونه دارد اگر به ذهن فشار بیاوریم.

ختم به خیر می‌شود، ابوکاظمی هم قانع.

واژه‌ی بعدی: پتانسیل قطبیده

۲۸ واژه دیگر مانده و حداد می‌خواهد کار زودتر پیش برود: «موافقید نخونن؟ هم می‌دونیم پتانسیل یعنی چی، هم قطبیده.»

ابوکاظمی با حرص و جوش دست بالا می‌ترد: «آقای دکتر «پتانسیل قطبیده» معنا ندارد.

حداد: پس بخوانید.

ابوکاظمی: پتانسیل قطبشی درست است.

حداد: اگر گروه خوردگی توضیحی دارند بفرمایند.

دکتر هادی عادلخانی، عضو گروه خردگی مفصل توضیح می‌دهد در دفاع از پتانسیل قطبیده. حداد عادل بار دیگر همه این توضیحات را با بیانی دیگر برای ابوکاظمی شرح می‌دهد: «ببینید، ایشون استدلالشون اینه: چون پتانسیل قطبشی غیر از این پتانسیلی است که الان مورد بحثه — حالا چه قطبیده بگیم چه چیز دیگه — اگه بگیم پتانسیل قطبشی، آن مقدار پتانسیل ناشی از خوردگی عملاً حذف‌شده فرض می‌شه. چون پتانسیل قطبشی، پتانسیل جداییه که جزئی از این پتانسیله. بخشی از این پتانسیله. این پتانسیل قطبیده مجموع پتانسیل خردگی و پتانسیل قطبشی است. بنابراین طبق استدلال ایشون اگر پتانسیل قطبشی بگیم، به بخشی از کل اشاره می‌کنه، نه به همه. حالا اگه شما یا آقای بهاری استدلالی دارید بفرمایید.» سه نفر نوبت گرفته‌اند برای اظهار نظر.

ابوکاظمی و بهاری و کافی نوبت گرفته‌اند به ترتیب حرف بزنند.

مهندس رضا بهاری، عضو شورا: من با پیشنهاد دکتر ابوکاظمی موافقم. چون قطبشی، قطبیده را هم به ذهن میاره...

ابوکاظمی: قطبیده یعنی قطبی‌شده؛ بارهای منفی یک طرف متمرکز می‌شوند، بارهای مثبت یک طرف. مردم یک کشور ممکن است از لحظ عقیدتی، به دو دسته تقسیم بشن، اون موقع است که می‌گن دو قطبی.» دو قطب جامعه را با دست‌هایش در هوا نشان می‌دهد. یکی راست و یکی چپ. «نور قطبی می‌شه میدان الکتریکیش جهت خاصی پیدا می‌کنه. نور طبیعی و نور قطبیده فرق دارن.» حرص و جوش می‌خورد، قاطع از نظرش دفاع می‌کند. ریتم حرف‌هایش تند می‌شود. «آند خردگی پیدا می‌کنه، یعنی اتم‌هاش در الکترولید حل می‌شه. اتم‌ها در الکترولید حل بشن، یون‌های مثبت یه طرف می‌رن یون‌های منفی یه طرف. همین بلا سر یون‌های کاتد هم میاد. مجموع اینها که بارهای مثبت را یه طرف و بارهای منفی را یه طرف جمع کرده، قطبشی پدید میاره که در انگلیسی بهش گفتن polarized potential. این رو مانمی‌تونیم بگیم پتانسیل قطبیده. پتانسیل چیزی نیست که قطبیده بشه. پتانسیل انرژی واحد باره و این قطبیده بشه یعنی چه بلایی سرش اومده؟ از نظر علم فیزیک من نمی‌فهمم چه بلایی سر این می‌آید. شما بفرمایید چه بلایی سرش می‌آید.»

حداد: فرمایش آقای ابوکاظمی این است که قطبیده نمی‌تواند صفتی برای پتانسیل باشه. حالا عجله نکنید بالاخره یه راه‌حل پیدا می‌کنیم. یعنی در خلال موافقت‌ها و مخالفت‌ها به یه راه‌حلی می‌رسیم.»

مهندس علی کافی، عضو شورا: چند تا مطلب دارم. یکی اینکه چرا در انگلیسی بهش می‌گن polarized potential؟ اگر از یک انگلیسی‌زبان بپرسید می‌گه یعنی پتانسیلی که قطبیده شده. اما این هم مثبت است هم منفی. منفی از این بابت که من خیلی راحت می‌فهمم که پتانسیل قطبیده نمی‌شود. نکته مثبتش هم اینجاست: می‌شه یه ترکیبی ساخت که مفهوم دیگه‌ای از توش استنباط کرد. پتانسیل قطبشی رو دوستان ایراد گرفتن که درسته. اگر قطبشی باشه، پتانسیل خردگی را چه کنیم؟ به هر حال احتمالا چیزی از انگلیسیِ این عبارت حذف شده.

حداد: بیایید از قطبیده صرف‌نظر کنیم. کاری هم نداریم که از انگلیسیش چه می‌شه فهمید. چون هرچی بفهمن مشکل ما رو در زبان فارسی حل نمی‌کنه. چون این برآیند دو پتانسیل خوردگی و قطبشی است، پس ذره‌ای طولانی کنیم و بذاریم: پتانسیل خردگی-قطبشی و خیالمان را راحت کنیم.

پژوهشگر فرهنگستان در کارگروه خردگی می‌گوید قبلاً چنین واژه‌ای را تصویب کرده‌اند و باید سوابق را بررسی کنند. بحث بالا گرفته. هر کسی از نظر خودش دفاع می‌کند. گروه خردگی هم از نظر خودش. هنوز به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. سرنوشت کلمه چه خواهد شد؟

نسرین پرویزی، معاون گروه واژه‌گزینی: بیایید از حالت صفتی خارج بشیم و به جای خردگی-قطبشی یه اسم بذاریم. مثلاً بذاریم قطبی‌شدگی یا قطبیدگی. یعنی یه چیزی مربوط به قطبندگی که در اینجا صورت می‌گیره.

کافی صریحا مخالفت می‌کند: شما پیشنهاد ویژه‌ای ندادید که مسأله رو حل کنه. پیشنهاد دکتر بهتره.

اعضای کارگروه بین خودشان آرام و درگوشی حرف می‌زنند.

مهندس کثیری‌ها، عضو گروه خردگی، از تعریف پتانسیل تعادل می‌گوید: «وقتی تحت میدانی قرار بگیرد یا تحت بار، یعنی قطبیده شده و از آن پتانسیل تعادل تغییر کرده و پتانسل جدیدی گرفته.»

حداد خطاب به کارگروه: برای امثال جنابعالی که بیشتر از اینکه با لفظ سر و کار داشته باشید با مفهوم و مصداق سر و کار دارید، اگر بگیم قطبیده یعنی همان پتانسیلی که شما بهش می‌گید از حالت تعادل تغییر یافته. اما اگر به کسی که با لفظ سر و کار داره بگیم پتانسیل قطبیده، فورا می‌گوید قطبیده هیچ‌وقت نمی‌تواند صفت پتانسیل باشد.

پژوهشگر وسط بحث‌ها اعلام می‌کند که در سوابق واژه‌ها خردگی-قطبشی پیدا نشده. پس فعلا همه‌چیز به نفع پیشنهاد حدادعادل پیش می‌رود. تنور داغِ داغ است.

حداد: اگر نظری نیست رأی بگیریم.

دکتر علاءالدین طباطبایی، عضو شورا: اگر می‌خواهیم خوردگی-قطبشی بذاریم ایراد دارد. چون خوردگی اسم است، قطبشی صفت. اینها را نمی‌شه کنار هم گذاشت. باید از لحاظ دستوری یکی باشن. من فکر می‌کنم با توضیحی که گروه خردگی دادن، قطبیده درسته. یعنی قطبیده با توضیحات گروه می‌تونه هم‌معنای متعادل باشد. پس قطبیده خوبه.

انگار طباطبایی توانسته جمع را بیشتر متقاعد کند که حداد عادل از حافظ مدد بگیرد: چو قسمت ازلی بی حضور ما کردند/ گر اندکی نه به وفق رضاست خرده مگیر

مزاح می‌کند و می‌گوید حافظ هم از خردگی حرف زده. همه می‌خندند. «سختگیری نکنید و همان خردگی-قطبشی را رضایت بدهید. خوردگی نوعی اسم مصدر است و قطبشی هم نوعی اسم مصدر.»

طباطبایی: از نظر دستوری باید یکی باشند. مثل عقیدتی-سیاسی.

یکی دیگر از اعضای شورا پیشنهاد می‌دهد خردگی-قطبشی که هر دو اسم مصدر باشند. بحث دوباره بالا می‌گیرد. عادلخانی می‌گوید گروه خردگی با «خردگی-قطبشی» مشکل دارد و نمی‌پذیرد.

حداد: پیشنهاد خانم پرویزی چی؟ بگیم پتانسیل قطبیدگی

عادلخانی: اگر خردگی نداشته باشد موافقیم. علی‌رغم اینکه ما انجمن خردگی هستیم. دوباره می‌خندند.

کافی: چه مسأله‌ای رو حل می‌کنه؟ البته اگه به رأی‌گیری نزدیکمون می‌کند، موافقم هستم‌ها. ولی بین قطبیدگی و قطبشی تفاوتی نمی‌بینم.

طباطبایی: خیلی تفاوت دارند. قطبیدگی اسم است و قطبشی صفت، به‌معنای «ناشی از قطبش.»

حداد: قطبیدگی حسنش این است که هم با معنای قطبشی که قبلا تصویب شده متفاوت است هم تناظر یک‌به‌یک دارد با این مفهومی که دوستان گروه خردگی گفتند

حداد اعلام رأی می‌کند. تقریباً همه دست‌هایشان را بالا می‌برند. سرنوشت سمج این کلمه به «پتانسیل قطبیدگی» ختم می‌شود.

داستان ادامه دارد

قرار است گلوها به چای تازه‌دم تر شوند. دو نفر با تجهیزات می‌آیند. یکی سینی به‌دست و پر از فنجان‌های کمرباریک و آن یکی با کت‌وشلوار اتوکشیده. با مراسم خاصی فنجان را از سینی برمی‌دارد و در جای مشخص روی میز می‌گذارد. زنده‌یاد حسن حبیبی، رئیس سابق فرهنگستان و ابوالحسن نجفی، عضو سابق شورا از قاب دیوار، خیره نگاه می‌کنند. واژه‌های بعدی در کارند. دکتر ابوکاظمی دوباره ایراد می‌گیرد. بحث در می‌گیرد درباره‌ی محرک و تحریک و پیشران و رانش و راه‌انداز و... به عنوان معادل برای driving.

کافی: محرک سال‌هاست جاافتاده چه اصراری است دوباره واژه‌ی جدید بسازیم.

حداد می‌گوید واژه‌ی پیشبر را بسازیم. واژه‌ای جدید که امتیازش هم به اسم شما ثبت می‌شود.

کافی دوباره مخالفت می‌کند: ما نشستیم اینجا که واژه‌ای رو که قبلا وجود داشته برداریم یه چیزی دیگه بذاریم جاش؟

کارشناسان فرهنگستان اینترنت را چک می‌کنند که ببینند کدام واژه پربسامدتر است. حداد می‌گوید بیایم کلمه پیشبر رو انتخاب کنیم که نه مدعی دارد نه به قول شهرداری چی‌ها معارض. رأی‌گیری می‌شود: تصویب.

قرتی‌بازی‌های جدید را جمع کنید

واژه بعدی: پتانسیل لحظه-خاموش. حداد می‌گوید بگذارید اول از آقای ابوکاظمی بپرسیم که اگر مخالف نیستند رأی بگیریم.

گروهی استدلال می‌کنند که هایفن (خط تیره) از بین دو کلمه برداشته شود و نیم‌فاصله بیاید. کافی می‌گوید این قرتی‌بازی‌های جدید را جمع کنید. خیلی راحت می‌توان گفت پتانسیل لحظه‌ی خاموشی.

حداد خطاب به انجمن خردگی: البته قرتی‌بازیا مال ماست. شما به خودتون نگیرید.

خنده، همهمه، سکوت، بحث، مجادله. یک به یک، دو به دو، سه به سه حرف می‌زنند. نماینده گروه خردگی می‌گوید: اگر بگوییم پتانسیل لحظه‌ی خاموشی، یعنی یه خاموشی اتفاق افتاده و ما در خاموش شدن اون دخیل نیستیم، اما اگه بگیم لحظه‌خاموش، یعنی ما عمداً خاموش کردیم تا اندازه‌گیری کنیم. یک لحظه قطع می‌کنیم بعد اندازه می‌گیریم. خاموشی نادلخواه است.

کافی: پس اون «ی» آخر رو برداریم: پتانسیل لحظه‌ی خاموش.

طباطبایی: اگه اینجوریه لحظه‌خاموش بهتره که.

کافی: لحظه‌خاموش رو من نمی‌فهمم یعنی چی؟ می‌شه توضیح بدین؟

هوشنگ رهنما، عضو شورا: پیشنهاد مهندس کافی کاملا درسته. تو انگلیسیش هم off همون خاموشی معنا می‌ده، هم instant «لحظه‌ی» معنی می‌ده.

حداد برای «لحظه‌ی خاموشی» رأی می‌گیرد: تصویب می‌شود. اما از گروه خردگی یکی اعتراض می‌کند: آقای دکتر ما جلسه‌ی آخرمونه. ستم نکنید.

حداد: بذارید کار پیش بره. ایشالا یه جای دیگه جبران می‌کنیم

بعد هم روایتی می‌آورد از یک داور والیبال که «نشسته بود اون بالا یه امتیاز می‌داد این‌ور یه امتیاز اون‌ور. گفتن این که نمی‌شه. گفت می‌خوام عادلانه رفتار کنم. حالا کار ما هم همین شده.»

اعضا سر ضمه بالای یک حرف هم بحث می‌کنند. اما در واژه بعدی سر کلمه تخلیه به‌جایی نمی‌رسند. عضو گروه خردگی می‌گوید: مفهومش در مهندسی خردگی، منفی است و گرفتاری ایجاد می‌کند. یعنی کسی این کار را عمدا نمی‌کند. چون دردسرزاست.

حداد: تخلیه متعدی است و همیشه فاعل لازم دارد. بنابراین مناسب نیست.

یک ربع سر همین یک کلمه بحث می‌کنند. سکوت می‌کنند. فکر می‌کنند اما به نتیجه نمی‌رسند. معادلی برایش پیدا نمی‌کنند و در نهایت همان تخلیه تصویب می‌شود.

چشم‌ماهی، چشم‌گاو

معادل Fish Eye را چشم‌ماهی برگزیده‌اند. هیچ‌کس مخالفتی نمی‌کند. تصویب می‌شود. آخر جلسه است. هوشنگ مرادی کرمانی، عضو شورای واژه‌گزینی، معنی چشم گاو را توضیح می‌دهد: در فارسی به چیز خیلی واضح و آشکار می‌گن چشم گاوه.

ژاله آموزگار: در اسطوره‌های یونانی چشم گاو استعاره از زیبایی است.

مرادی کرمانی: الان شما به یه دختر خانم بگید چشمت شبیه چشم گاوه، فوری ناراحت می‌شه. ولی اگه بگید چشمت شبیه چشم آهوئه خیلی خوشحال می‌شه.

حداد می‌گوید زنگ تفریح تمام شد. جلسه هم تمام شد. «توزیع این واژه‌ها بخش بسیار مهمی از کار ماست. اگر توزیع خوبی صورت بگیره ظرف بیست سال این اصطلاحات جامی‌افتن. کما اینکه بسیاری از اصطلاحات ریاضی و فیزیک که الان عادی شده، بیس سی سال پیش غریب بودن.»

حدادعادل: تویتر هستم ولی توصیه نمی‌کنم

«حالا ما اگر بخواهیم وقت خودمان را صرف پاسخ دادن به انواع شوخی‌ها بکنیم که به کار جدی نمی‌رسیم. ما خواهشمون از کسانی که در واژه‌های ما عیبی می‌بینن اینه که اگه واژه بهتری به ذهنشون می‌رسه پیشنهاد کنن. ما لجاجت نداریم سر مصوبات خودمون. اگر واژه بهتری به ذهنشون می‌رسه اون رو جایگزین واژه خودمون می‌کنیم. درست به همین دلیله که فاصله زمانی سه ساله گذاشتیم بین تصویب اولیه و تصویب نهایی. چون کاملا احتمال داده‌ایم که چنین اتفاقی بیفته. بنابراین هر کسی اصلاح بکند پیشنهاد ما رو به ما کمک کرده.»

در راهرو فرهنگستان، حداد عادل به سؤالات «شهروند» جواب می‌دهد. از جمله نظر مقام رهبری درباره فرهنگستان: «ایشون هیچ وقت دستوری به فرهنگستان ندادن. اینطور نبوده که بگن من این واژه رو می‌پسندم و شما این رو به کار ببرید. یه وقتی یه واژه‌ای بود فرهنگستان چیزی دیگه‌ای تصویب کرده بود. ایشون یه واژه دیگه‌ای به کار برده بودن براش. من گفتم همچین اتفاقی افتاده. ایشون گفتن شما دستگاه رسمی مملکت هستید وظیفه خودتان رو عمل کنید. ایشون به جای پارک گفته بودن بوستان و فرهنگستان کلمه باغ رو تصویب کرده بود. من به ایشون عرض کردم شما گفتید بوستان. ایشون گفتن من یه پیامی نوشته بودم که گفتم در پارک‌ها هم جایی برای نماز پیش‌بینی بشود. اون موقع لفظی به ذهنم نرسید گفتم در بوستان یا بوستان‌های عمومی. گفتن این انتخاب من بوده به عنوان شخص در پیام خودم. شما طبق فرآیندهای خودتون عمل کنید.»

-حساب حداد عادل در توییتر مال خودتونه؟ خودتون می‌نویسید؟

توییترم مال خودمه. من می‌دونم که استفاده‌ی من از توییتر استثناییه. بعضی‌ها انتقاد می‌کنن که چطور دیگران منع می‌شن اما شما خلاف قانون عمل می‌کنید. جوابی ندارم. اگه مصوب شده باشه، من این انتقاد رو می‌پذیرم. ولی فکر می‌کنم فایده‌ای که از حضور من در توییتر حاصل می‌شه شاید به این انتقادها بیرزه. ولی این رو به دیگران توصیه نمی‌کنم.

ژاله آموزگار، استاد دانشگاه و عضو شورای واژه‌گزینی سراغ حداد عادل می‌رود. آرام درباره شب بزرگداشت هوشنگ ابتهاج می‌پرسد. همان شبی که حداد عادل شعرهای قبل از انقلاب سایه را خواند و سایه گفت کاش شعرهای سال‌های ۶۲ را هم می‌خواندید. «نمی‌خواستم سیاسی بشه. ولی شد.»

پنجره‌ها را می‌بندند. اتاق از باد پاییز پر شده بود.

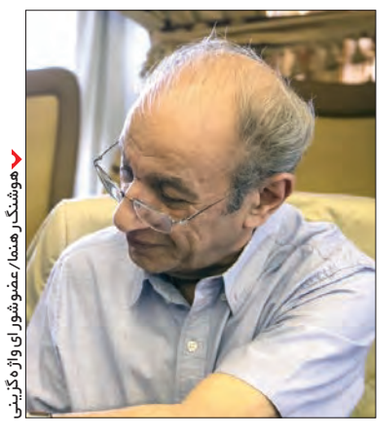

هوشنگ رهنما/ عضو شورای واژه‌گزینی

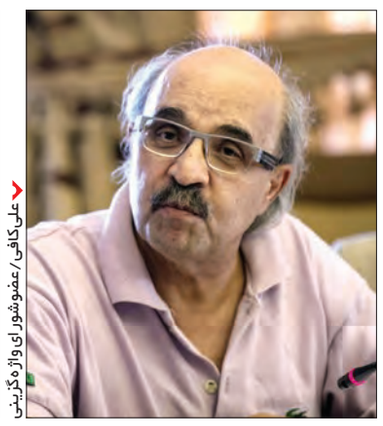

علی کافی/ عضو شورای واژه‌گزینی

رضا بهاری/ عضو شورای واژه‌گزینی

ژاله آموزگار/ عضو شورای واژه‌گزینی

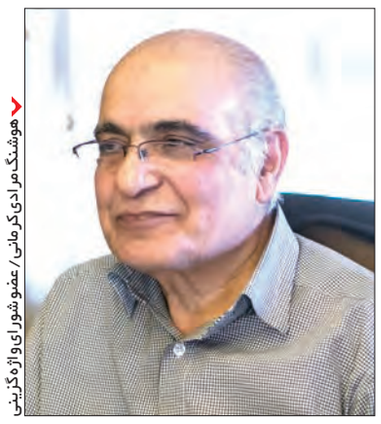

هوشنگ مرادی کرمانی/ عضو شورای واژه‌گزینی

نسرین پرویزی/ معاون گروه واژه‌گزینی

ابوکاظمی/ عضو شورای واژه‌گزینی

غلامعلی حدادعادل/ رئیس شورای واژه‌گزینی